

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد ظاهر و یادداشت پورتال

۱۵ جنوری ۲۰۲۲

## دولت جمهوری ملی دموکراتیک افغانستان جایگزین (الترناتیف) مناسب امارت اسلامی طالبان

موقعیت جغرافیایی و ساختار اقتصادی افغانستان که بر مالکیت اشتراکی قبیله ئی بر زمین، مراتع و جنگلات مربوط بود، با گسترش تولید خرده کالائی و سرمایه تجاری و ربائی در بطن شیوه تولید مسلط فنودالی با تسلط طبقه حاکم (فنودال) و سیطره استعمار، از بالندگی نیروهای مولده نوین و شگوفائی اقتصاد و فرهنگ جامعه و از روند تکاملی طبیعی و سالم در افغانستان جلوگیری به عمل آمد. اگر علل این عقب ماندگی را نخست تاریخی بدانیم علت دیگرش فقط نقش ویران ساز و سرکوبگر خود به یاری همدیگر ماست که افغانستان را به انحراف کشانیدیم.

ریشه های زمین داری ( فنودالی) از دیر زمان نیست از وجود ارتجاع و امپریالیزم آب می خورد و دهقانان هنوز با وسایل بسیار ابتدائی به کشت و کار مشغول اند. زحمتکشان روز مزد در چوک شهر ها صف کشیده اند. زنان در خانه اسیر و از تحصیل محروم شده اند، در واقعیت همان استبداد سیاه شرقی مردم ما را در خود غرق نموده است. هر اعتراض با مرمی و قنذاق تفنگ پاسخ گفته می شود. در جامعه تقشیش عقاید، نفاق قومی، ستم قومی، ستم دینی، رکود تولید، انحطاط فرهنگی بر سرنوشت مردم ما سایه افکنده است. برای بیرون رفت از این سایه شوم ضرورت به یک تغییر و تکامل بنیادی است. تغییری که افغانستان را به سوی یک جامعه واقعا دموکراتیک سوق دهد.

برای دموکراتیزه شدن جامعه افغانستان تلاش های بی حاصل در طول تاریخ صورت گرفته است، نخستین تلاش را شاه امان الله نمود، که به وسیله ارتجاع سیاه در تبنائی با امپریالیسم انگلیس از ریشه خشک ساخته شد.

ظاهر شاه در مدت چهل سال سلطنتش، برای به دام انداختن قشر روشنفکر و منور، در قالب دموکراسی کذائی و اغوای مردم، در دوره شاه محمود و دهه « دموکراسی تاجدار»، برای احیای گرایش مشروطه خواهی و اعطای آزادی های نیم بند برای مردم، تلاش دوم « دموکراتیزه کردن را تمثیل نمود. در این دوره ها احزاب و سازمانهای بورژوا- دموکراتیک، چپ، راست، دموکرات، نشنالیست و ... عرض اندام کردند، ولی بعضی از آن ها مجال نفس کشیدن نیافتند و رهبران شان به زندان و یا سر به نیست شدند. ظاهر شاه با همدستی خان ها و ملاک ها، با جبهه سائی بر آستان سرمایه جهانی، با جلب سرمایه های کشور های سرمایه داری برای غلبه بر بحران اقتصادی، سرمایه نو پای کشور را به بیراهه دلالی سوق داد و بر گلوی نازک سرمایه داران ملی که در بانک ملی، مؤسسات مالی و تجاری و صنعتی تازه تأسیس، سرمایه گذاری نموده بودند، بیرحمانه فشار آورد و آنها را از بین برد. سرمایه دار دلال سبب

تقویت روز افزون سکتور دولتی به جای، سرمایه داران ملی، رشد سرطانی یافتند که هم در دربار و هم در مؤسسات تجاری و صنعتی از مقام والائی برخوردار بودند و در سطح ملی و بین المللی دموکراسی اشرافی را به نمایش گذاشتند. (۱)

داوود (۱۳۵۷-۱۳۵۲) در پنج سال قدرت، هیچ گونه تلاشی برای دموکراتیزه کردن افغانستان نکرد. افغانستان در این مدت، دوره پر از اختناق سیاسی را سپری نمود. رژیم داوود در ظاهر زمین داران را با اصلاحات اراضی تحدید کرد. ولی سرمایه داران و تجار وابسته به دولت را تقویت و امتیازاتی را هم به زمین داران بزرگ داد. تنها یک حزب را قانونی ساخت و با دستان بلند شده ای کل زمین داران و سرمایه دار و تجار دلال و اعضای حزب «ملی غور زنگ» در جرگه فرمایشی، خود را رئیس جمهور «قانونی» افغانستان ساخت. در پنج سال عمر حکومت داوود، خیری از دموکراسی نبود. کمک های اقتصادی شوروی امپریالیست را نسبت به همکاری با اردوگاه غرب ترجیح داد. بحران اقتصادی، بیکاری، تورم، فقر، سبب تغییر جهت داوود به سمت اردوگاه غرب شد، استخبارات شوروی امپریالیست و نوکران دست پرورده اش در داخل کشور دیکتاتوری داوود را به دیکتاتوری تک حزبی جدید عوض کردند.

خلقی - پرچی (۱۳۵۷-۱۳۷۲)، برای دموکراتیزه ساختن افغانستان دولت خود را «دولت جمهوری دموکراتیک» نام گذاشتند، و «دیکتاتوری خلق» را بالای خلق اعمال نمودند. سکتور دولتی را که سرمایه دار و تجار دلال خدمت گذار دولت داوود آن را در انحصار داشت به وابستگی کامل استعمار شوروی درآورد. اقدامات سیاسی، فرهنگی «دولت جمهوری دموکراتیک» نیز ماهیت استعماری داشت که به زیان مردم تمام شد. آنچه که مردم مخالفت خود را با دولت «دیکتاتوری خلق» وابسته با دولت شوروی نشان دادند در روینای سیاسی و اعمال دیکتاتوری فاشیستی کاملاً هویدا بود.

سیاست به اصطلاح دموکراتیک دولت تک حزبی، نفی کامل دموکراسی و سرکوب حقوق تمام اقشار و طبقات ساکن در افغانستان را در خود تمثیل می کرد. رفم های اغواگرانه، خصلت رو بنائی و نمایشی بودند. رژیم طی پانزده سال قدرت، بنابر ماهیت ضد مردمی، ضد دموکراتیک و ضد ملی خود هرگونه اعتراض، ناخوشنودی و حتی سکوت بی طرفانه فردی را با کین تیزی دژخیمانه و خشونت سبعانه پاسخ می داد. (۲)

در سال های اخیر عمر رژیم، نظر به تحولاتی که در دولت شوروی ایجاد گردید، چرخش های یکصد و هشتاد درجه در آن رژیم، با تعویض نام دولت، رنگ بیرق، نشان، رهبر، تأسیس پارلمان، انتخابات و هزاران مانور دیگر صورت گرفت تا بتواند دل مردم را به دست بیاورد، اما مردم افغانستان به ضرب المثل عامیانه که «به هر شکلی که خواهی جامه می پوش، من از طرز خر امت می شناسم»، به وطن فروشان باور نداشتند و رستاخیز سراسری شان، همه افغانستان را فرا گرفت.

با تأسف که این رستاخیز تا نیمه های سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰-۱۹۷۹) صبغه ملی داشت، ولی با نفوذ کشور های غربی و به خصوص امپریالیزم امریکا، ماهیت جنگ افغان-شوروی را به جنگ امریکا-شوروی مبدل کرد، امریکا به وسیله جهادی ها و تروریست های کشور های منطقه و جهان اسلام، افسار جنگ را به دست گرفت. در این جنگ نیروهای ملی، انقلابی، روشنفکر و دیگر اندیش از داخل توسط دولت و وطن فروش (خلقی-پرچی) و از خارج به وسیله دولت های همسایه شرقی و غربی افغانستان و افراطی های اسلامی، ترور، زندانی و به طور قصدی از صف جنگ بیرون رانده شدند.

خلاً نیروهای ملی و انقلابی، میدان را برای اسپ تیز تک جهادیان که با قمچین امپریالیزم امریکا سرعت می گرفت، آماده ساخت تا به قدرت رسیدند. امریکا پایش را با قدرت گرفتن «مجاهدین» از قضیه افغانستان بیرون کشید. چون به

هدفی که داشت رسید ، یعنی شکست شوروی. امریکا قبضه ای مجاهدین را به دست آی-آس-آی پاکستان سپرد ، چون شناخت که از این وحشیان که با پول، سلاح و مشاوره نظامی شان به قدرت رسیده بودند ، داشت می دانستند که دیگر به درد شان نمی خورند. زیرا امریکائی ها از قبل پلان داشتند که زمینه های ورد به افغانستان را در آینده همین «مجاهدین» برای شان آماده خواهند کرد. (۳) امریکا ، در افغانستان تخم های فساد، قاچاق مواد مخدر، قاچاق سنگ های قیمتی، زر اندوزی ، ویرانی ، آدم کشی و هزاران جنایت دیگر را کاشت که تا همین اکنون از آن ثمر می بردارد. دولت اسلامی تنظیم های جهادی (۱۳۷۵-۱۳۷۱) ، تفنگ سالار های تنظیمی مصروف جنگ های داخلی شدند و با ایجاد جزایر قدرت، به دین ستیزی ، قوم پرستی و مذهب ستیزی، به رقابت پرداختند. این تنظیم ها، قادر به فراهم سازی مکانیسمی نبودند که خود و مردم افغانستان را قانع سازند. تقسیم قدرت سیاسی نه تنها در پرتو اخوت دینی حل نشد، به عکس در عمل به عداوت دینی مبدل گردید. (۴)

در مدت پنج-شش سال ، حاکمیت متزلزل دولت اسلامی ، ساختار های اجتماعی قدرت در افغانستان به هم خورد، زیر ساخت های اقتصادی فرو ریخت و شریعت و امارت اسلامی بر روی این ویرانه های قد برافراشت که به مراتب زشت تر و شنیع تر، شیوه های دین ستیزی را با ساطور محتسب « امر به معرف و نهی از منکر » بر گلوی مردم درد دیده، و مظلوم افغانستان بیشتر فرو برد.

امارت اول اسلامی افغانستان (۲۰۰۱-۱۹۹۶) با تطبیق قوانین متعصبانه و شریعت اسلامی «امارت اسلامی» پنج سال تمام به خصوص زنان را در چار دیوار خانه بیشتر زندانی ساخت، مردم را از حق تحصیل، دیدن تلویزیون، موسیقی ، آرایش ، و ... محروم نمود. به عکس زمینه فعالیت را برای تروریست های بین المللی مساعد ساخت و بهانه به دست امریکا داد تا بر افغانستان تجاوز نظامی کند و طالبان دوباره به خانه پدری شان در همسایه شرقی افغانستان فرار و پناه گزین شدند، امریکا با پناه بردن ایشان به پاکستان غم فردای خود را نیز سنجید.

« جمهوری اسلامی افغانستان » (۲۰۰۱-۲۰۲۱) ، دولت امریکا با ادعای «ریشه کن کردن تروریسم» ، در افغانستان ، با پرتاب چتر بازان امریکائی و پشتیبانی طیارات بی - ۵۲ ، «دموکراسی امریکائی» را توسط نوکرش «حامد کرزی» که ایشان را در آرایش گاه « بن » رنگ مالی و با عطر «لویه جرگه» در کابل معطر و خوشبو ساخت و با آهنگ های « حکومت موقت» ، «حکومت انتقالی» و «و رئیس جمهور انتخابی» ، برای ۱۴ سال بر تخت ارگ نشاند.

دموکراتیزه کردن افغانستان را مشاوران امریکائی نیز از بالا شروع کردند. انتخابات، آزادی بیان، آزادی مطبوعات ، ارکان های سه گانه دولت ( قضا، پارلمان و حکومت) را به شکل مسخره آمیز ، ایجاد، وزیر و قاضی القضاات را از بین هزاران فساد پیشه، تفنگ سالار ، روحانیون مقتدر ، زمین دار متنفذ ، خانهای محل ، از جمع « رهبران جهادی » گریزی ، جانین قاچاق مواد مخدر و سنگ های قیمتی، سکولار های وابسته به غرب، انتصاب و اعضای شورا را با رأی که مردم را با زور سلاح، پول و قدرت متنفذان محلی به پای صندوق رأی کشاندند ، « انتخاب » با گرد آوردن این اوباش در زیر یک سقف نهاد هائی را به نام «شورای ملی» و «مجلس اعیان» نام گذاری کردند، که بوی گند نادانی ، تفرقه و اختلافات قومی و مذهبی و گروهی شان هر روز در فضای «شورا» را ملوث کرده بود. بیست سال تمام تعویض این مهره ها روی شطرنج سیاسی افغانستان صورت گرفت و نامش را گذاشتند دموکراسی!

شهر نشینان را با اعمار بلند منزل ها ، جوانان را با تبلیغ آزادی بیان، پروگرام های تلویزیون، سینما، نمایش هر نوع لباس مد روز ، زنان را با برداشتن برقه ، زمینه تحصیل و کار ، و ازخانه بیرون شدن ، مردان را با ایجاد کار روز مزدی و اطفال را با وسایل تفریحی مدرن پارک ها ، مجنوب ساختند در حالی که چنین مزایائی برای ساکنان خارج

شهرها مساعد نبود و آنها با شیوه های دوره های طالبی داشتند. به چشم مردم این ظواهر رنگین شهرها را به اصطلاح دموکراسی در افغانستان نشان دادند در حالی که سراب و فریبی بیش نبود.

قانون اساسی دوره ظاهر شاه را غسل دموکراسی امریکائی داد و نیازهای سرمایه های امپریالیستی را در روینای سیاسی و قضائی، در لویه جرگه مسجل نمود. با اعلام بازار آزاد، دست سرمایه های امپریالیستی را در افغانستان باز گذاشت و با سرازیر شدن پول بانک جهانی و کمک های مالی کشور های ذینفع در افغانستان به تأسیس بانک ها، صنایع استهلاکی و مونتاز در اکثریت شهرها، بازار کسب و کار رونق پیدا کرد. گرچه یک عده از سرمایه داران ملی نیز در این بحبوحه، سرمایه شان را در اکثر نقاط کشور به کار انداختند ولی از آنجائی که، تجار دلال وابسته به دولت مواد استهلاکی مورد نیاز مردم را با پول ناچیز از کشور های همسایه وارد بازار نیازهای مردم می کرد، تولیدات سرمایه داران ملی در بازار خریدار نداشت. و از سوئی هم تبادلۀ اسعار که با دالر باد آورده صورت می گرفت اکثر سرمایه داران ملی را ورشکست ساخت که سرمایه های شان را از کشور بیرون کردند و یا در رقابت ناسالم اقتصادی تن در دادند. در این مدت یک بخش جامعه با «پول باد آورده» پول دار شدند و در مقابل اکثریت مردم با کار شاقۀ روزانه ناتوان و فقیرتر گردیدند.

اما، نظامیان پنجاه و دو کشور که با بوق و کرنا، هر روز در جاده های شهر با زره پوش ها پرسه می زدند، در میان این نظامیان، امریکائی ها و انگلیس ها در اکثر نقاط که ذخایر زیرزمینی، را تثبیت نموده بودند، به ساختن پایگاه های نظامی و به کندن چاه ها و کشیدن حفر ها در درون کوه ها پرداختند، تا مواد معدنی چون اورانیوم \* هلمند، لاجورد بدخشان، زمرد طلا و یاقوت مرمر، مواد کرومایل\*\*، و تورمالین\*\*\*، کوارتز\*\*\*\*، آکوامارین\*\*\*\*\*، تلک، مس عینک کابل، لیتیوم ناوه ولایت غزنی و ... را از آن معادن زیر زمینی استخراج و توسط طیارات نظامی به کشور های شان به بسیار آسانی انتقال می دادند، چون اختیار فضای افغانستان در کنترل خودشان بود هیچ کس و یا دستگاهی نبود که آنها را تفتیش و تلاشی نماید. بیست سال تمام این متجاوزان در ظاهر امر نشان دادند که در ساختار دولت و نظام و ارتش و جنگ مصروف اند، در حالی که اولویت کاری شان را استخراج و انتقال مواد خام برای فابریکات تولید سلاح و لوازم مهم قاره پیما ها، تشکیل می داد.

پلان ستراتیژیک ناتو در ظرف بیست سال بی ثبات ساختن کشور های عربی (عراق، سوریه، لیبیا، سودان، مصر، ...)، تغییرات در سیستم های دولتی اروپای شرقی، ایجاد پایگاه ها نظامی در بعضی کشورهای آسیای میانه، جاسوسی از نظام اسلامی ایران، روسیه و چین و هند بود، که یک به یک آنها را تطبیق کردند. پلان ستراتیژیک آیندۀ ناتو و امریکا، مستقر ساختن داعش در شمال و غرب افغانستان و استقرار نظام امارت اسلامی دوم طالبان بعد از خروج از افغانستان برای خراب کاری و بی ثبات سازی کشورهای آسیای میانه، چین، ایران و حتی پاکستان، تربیت جاسوس و ستون پنجم در داخل افغانستان و کنترل آنها از راه دور، کنترل دایمی فضای افغانستان برای مدت نامعلوم برای تطبیق اهداف آیندۀ در منطقه را تشکیل می دهند.

حاکمان محافظه کار «دولت اسلامی افغانستان» برای تأمین همزیستی مسالمت آمیز بین زمین داران بزرگ و سرمایه داران وابسته به دولت، موازنه ای را زیر نام «وحدت ملی» به میان آورد. اما چون این وحدت با چسب (سرش) امریکائی پیوند خورده بود، زمانی که منافع شخصی و طبقاتی، تیکه داران قدرت به خطر مواجه گردید، چسبندگی این پیوند نیز از بین رفت. که پیامد بی عرضگی و فریب «دموکراسی امریکائی» را در تحلیف و قسم خوری دو رئیس جمهور همزمان در یک روز، در دو سوی یک دیوار، مردم افغانستان شاهد بودند. آری، تشت رسوائی

دموکراسی مقوائی امریکائی بعد از بیست سال ، از بام افتاد و با فرار رئیس جمهور بر حال ، دولت دست پخت امریکا و شرکاء از هم پاشید.

امارت اسلامی دوم طالبان، (۲۰۲۱-....) طالبان در ظاهر از شکست امریکا نعره بلند کشیدند، در حالی که این نوکران امپریالیزم امریکا ، غلامی شان را در پای قرار داد دوحه ، از قبل امضاء نموده بودند. همان طوریکه تاریخ افغانستان شاهد است، اجنبی های متجاوز هر وقت که خواسته اند نوکران شان را از قدرت خلع و دوباره به مقام نصب نموده اند، امریکا طالبان را بار دوم برای تطمیع مردم افغانستان ارگ نشین ساخت ، تا با چماق دین و مذهب باز هم برای سالیان دیگر آنها را در قعر تاریکی و نادانی نگاه دارند .

در حقیقت پلان ستراتیژیک امریکا با همکاری دولت فراری کابل بر اساس توافقاتی که در دوحه و تعهداتی که در اتاق های فکری ایالات متحده و ناتو صورت گرفته بود ، زمینه ساز گردید که در ۱۵ اگست ۲۰۲۱ قدرت به طالبان تسلیم داده شد. و هیچ عکس العملی از ارکان های قدرت در مقابل طالبان دیده نشد . تو گوئی همه نهاد های جامعه «دموکراتیک» مانند مکاتب خیالی، ارتش خیالی، ... نیز خیالی بودند ، دست اندرکاران آن نهاد ها همه فرار نمودند ، به جز در و دیوار دیگر جنبنده در آنجا باقی نماند تا آن را مدیریت کند و یا به خاطرش مبارزه نماید. پارلمان، قضا و حکومت نهاد های دولتی که دیگر دارای آن قدرت نبودند که بعد از فرار رئیس دولت ، کنترل کشور را در دست بگیرند و آن را اداره کنند . چون همه بنیه خیالی داشتند و فقط تعمیری بودند که با لوحه ای مزین گردیده و آدمک های فاسد، پول پرست، بی وجدان آنها را اداره و مدیریت می نمودند.

طالبان، با وجودی که نه خط مشی دارند و نه از پلان دولتی آگاه اند و نه دارای کدام ستراتیژی سیاسی اند ، و نه از دولت داری سر در می آورند. فقط مردمان تفنگ به دست نظامی که اکثریت در مکتب حقانیه، فقه و قرآن آموزش دیده اند و با فرمان امیر المؤمنین که وجود خارجی ندارد، مجری شریعت اند، با قدرت ایدئولوژیک خود ریشه های فیودالیزم را بیشتر در زمین سنتی و دینی افغانستان تازه می نمایند و با قیودات دینی و شریعتی شان زنان را که نصف جامعه افغانستان را تشکیل می دهند اسیر در خانه نموده و برده مرد ساخته اند، این نوع شیوه جدید را که طالبان در جامعه افغانستان تطبیق می نمایند، فکر می کنم می توان شیوه فنودال-برده داری نام گذاشت.

## راه نجات

یگانه راه نجات مردم از یوغ رژیم طالبان فقط استقرار یک جامعه ملی دموکراتیک سکولار است. برای رسیدن به یک جامعه دموکراتیک و سکولار باید علیه ارتجاع، حامیان منطقه ئی شان و دولت های امپریالیستی مبارزه کرد. مبارزه علیه امپریالیزم و ارتجاع، مبارزه ملی و دموکراتیک است. در این مبارزه وحدت کامل ملیت های مختلف ساکن در افغانستان ، که برای به دست آوردن تساوی واقعی اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی تمام ملیت ها و اقلیت ها، که هرگونه امتیاز و تفوق طلبی یکی از ملیت ها بر دیگران را به شدید ترین وجه محکوم نمایند، ضروریست.

نجات مردم افغانستان از این سیاه چال تاریک اندیشان، آگاه ساختن توده های ستم کش و پی بردن ایشان به راه های قاطع و پی گیر نجات خود و کشور و ایجاد جامعه دموکراتیک است. باید به روشنگری ذهنیت عامه پرداخت. اندیشه های دموکراتیک را با در نظر داشت خصوصیات ملی جامعه افغانستان که شکل معین ملی را به خود بگیرد و برای توده ها قابل هضم بوده و راه نجات شان را برای رسیدن به یک آرمان عالی هموار سازد تدوین و از طریق مدیا، نشرات کتبی، ایجاد کنفرانس ها، کورس های تدریسی و حلقه های آموزشی تبلیغ و در اختیار عامه قرار داد.(۵) اگر

بخواهیم افغانستان جمهوری و دموکراتیک بسازیم یک رنگ و بی صدا نخواهد بود، بلکه بسیار متنوع، پررنگ، پر سر و صدا و سرشار از رقابت خواهد بود. (۴)

برای رسیدن به چنین جمهوری که مستقل، ملی و دموکراتیک غیر مسلح (به استثنای نیروی های امنیت داخلی) باشد، تا توده ها را از چنبر اهریمن فقر اقتصادی و استبداد سیاسی و ارتجاع نجات دهد و حقوق انسانی، اصل برابری بین اقوام و قبایل کشور را تضمین نماید، هر نوع امتیاز طلبی، انحصار طلبی سیاسی، قوم پرستی، محلی گرایی، زبان و دین ستیزی و زن ستیزی را محکوم نماید. ایجاد کار، تحصیل رایگان، ایجاد مدارس سواد آموزی برای همه شهروندان بیسواد و کم سواد را برآورده سازد، نیاز های اولیه زندگی (حق داشتن مسکن مناسب، دسترسی به خدمات بهداشتی، و آموزشی) برای همه شهروندان را تأمین کند. سکتور های اقتصادی واقعاً ملی را ایجاد نماید، مکلف به اعاده حقوق همه شهروندان، بدون در نظر داشت دین، مذهب، ثروت، جنسیت، رنگ پوست، محل سکونت، زبان، نظرات سیاسی و اعتقادات فردی باشد. جمهوری که هیچ کشوری از آن صدمه نبیند و هیچ کشوری در امور سیاسی، نظامی آن حق دخالت نداشته باشد. جمهوری که جدائی دین از دولت را رسمی سازد. این جمهوریت، دولت الترناتیف خواهد بود که بعد از سرنگونی طالبان در افغانستان خدمت گذار مردم خواهد شد. (۷)

این دولت الترناتیف را چگونه می توان، پایه گذاری و ایجاد نمود؟

نخست، تمام نیروهای مترقی، با دید دموکراتیک با هم متحد شوند و یک تشکل منضبط و با دیسیپلین را ایجاد کرده و اختلافات درونی خود را برای نجات مردم به شکل معقول و منطقی آن در رده های دو و یا سوم وظایف خود قرار دهند. شاید هم در جریان کار عملی دموکراتیک بسیاری از این اختلافات با گذشت زمان حل گردد.

دو، این تشکل تلاش برای ایجاد جبهه ملی- دموکراتیک نموده در زمینه گام های عملی بردارد.

سه، برای بسیج مردم، و ایجاد شورا ها، اتحادیه ها و تشکیلات صنفی به تبلیغ پرداخته و در آنها سهم عملی بگیرد. چهار، برنامه و خط مشی خود را به دفاتر سازمان بین الملل و دیگر ارگانهای جهانی ارسال و با افراد مسؤول در تماس شده همکاری های آنها را جلب نماید.

پنج، برنامه های سیاسی، اقتصادی خود را از طریق مدیا، به گوش جهانیان برساند. و از هر نوع امکانات که توجه جهانیان به آن جلب گردد استفاده کند.

شش، خواست های اپوزسیون را در اعتراضات، تظاهرات در داخل و خارج کشور برخ دولت های جهان و امارت طالبان بکشد.

هفت، در صورت امکان به بسیج نیروهای مسلح بپردازد.

هشت، اعتراضات را به قیام ها و سرانجام به انقلاب گسترش دهد.

محمد ظاهر

۱۲ جنوری ۲۰۲۲ امریکا

\*\*\*\*\*

### توضیحات:

\* اورانیوم، عنصر براق برنگ سفید است که در محافظ تانک ها، قسمت های از راکتها و ادوات جنگی، سوخت کشتی های جنگی تحت البحری و سلاح های هسته ئی به کار می رود.

\*\* کرو مایل، یک نوع مواد معدنی است که سختی اش بیشتر از فولاد است. در پارچه کردن و خرد کردن فلزات سخت از آن استفاده می نمایند.

\*\*\* ترمالین ، یا گوهر سنگ یا سنگ قیمتی، سنگ بلورین شش ضلعی است ، یا جواهر با رنگهای مخلوط و متنوع است.

\*\*\*\* کوارتز، یک نوع عقیق بلورین است، به رنگ های مختلف یافت می شود.

\*\*\*\*\* آکوامارین ، سنگ قیمتی به رنگ های مختلف. (۸)

(۲-۱) برنامه نخست ساما مصوبه سال ۱۳۵۹

(۴-۳) چرا دولت مجاهدین ناکام شد. عبدالحفیظ منصور - بی بی سی فارسی ۱۹ سپتمبر ۲۰۱۲

(۵) شعله جاوید (مرام نشراتی) شماره اول ۱۳۴۷

(۶) افغانستان جمهوری ... یونس نگاه و یادداشت پورتال افغانستان آزاد، ۱۰ جنوری ۲۰۲۲

(۷) مقاله « صلح عادلانه یا غیر عادلانه » محمد طاهر (گفتمان دموکراسی) ۲۳ جدی ۱۳۹۹

(۸) دانش نامه و یکی پدیا .

### یادداشت:

ضمن ابراز خیرمقدم خدمت همکار جدید ما آقای "محمد طاهر" باید بنگاریم که پورتال "افغانستان آزاد - آزاد افغانستان" به مانند همیشه به جز برخی ویراستاری های لازم تاییبی و املائی، مطلب را با همان محتوایی که همکار عزیز ما ارسال داشته بودند، منتشر ساختیم.

در عین حالی که امکان وجود اختلاف نظر را در تحلیل مبسوط شان با نظرات و برداشت های پورتال منتفی نمی دانیم، مشخصاً از دو بابت به کار شان ارج گذاشته و آن را مورد ستایش قرار می دهیم.

نخست این که آنچه را می اندیشند روی کاغذ آورده با سایر هموطنان شریک ساخته اند، تا اگر کسان دیگری هم نظراتی در مورد داشته باشند، نگاشته بحث حاضر را غنای بیشتر ببخشند.

نکته دوم، عبور شجاعانه آنها از ترم "جمهوری اسلامی" است که از ۴ دهه بدین سو، نفس عنوان کردن آن، چیزی به جز تسلیم بدون قیدو شرط به ارتجاع هار مذهبی و تمکین برده وار به اخوان بین المللی و اهداف ارتجاعی آنها معنای دیگری ندارد.

پیام ما به همکار عزیز ما، آقای "محمد طاهر" و بقیه هموطنان عزیز ما به خصوص آنهایی که دست به قلم می برند و می خواهند در تعیین سرنوشت خودشان و مردم شان نقش فعالی داشته باشند، همیشه این بوده که خود را سانسور نمایند و آنچه را می اندیشند بنگارند، می توانند اطمینان داشته باشند که در این پهنه بزرگ گیتی و بین ده ها میلیون هموطن شان کسانی پیدا خواهند شد، تا دست در دست آنها بگذارند و روند "ما شدن" را با تمام فراز و نشیب هایش به پیش برند.

اداره پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان"

